

## بررسی اثرات غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی با تأکید بر شاخص ادراک فساد

حمید سپهر دوست و عادل برجیسیان \*

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۳۰

چکیده:

ادبیات فساد و اثرات آن بر رشد اقتصادی سابقه طولانی دارد، به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد ابعاد موضوع گسترش یافته و بیشتر مطالعات بر اثر مستقیم فساد بر رشد اقتصادی متمرکز شده‌اند در حالی که پیرامون شناسایی اثر غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی مطالعات چندانی انجام نشده است. لذا هدف از این پژوهش، بررسی اثرات غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی با تأکید بر شاخص ادراک فساد و همچنین برآورد مدل اندازه‌گیری به تفکیک کشورهای رانتی و غیررانتی است. برای این منظور، از داده‌های مرتبط با شاخص ادراک فساد (CPI) سازمان شفافیت بین‌الملل، در ۵۳ کشور منتخب با اقتصادهای رانتی و غیررانتی، طی سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۹۶ و همچنین به‌کارگیری روش تخمین معادلات همزمان (3SLS) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که شاخص فساد (CPI) دارای اثر منفی غیرمستقیم بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه است و انتقال اثر از طریق عوامل واسطه‌ای و تأثیرگذار سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی، هزینه‌های دولت و بی‌ثباتی سیاسی معنی‌دار است. همچنین در مقایسه بین کشورهای رانتی و کشورهای غیر رانتی، اثر غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی از طریق هر چهار عامل واسطه‌ای به صورت مجموع در کشورهای رانتی بیشتر از کشورهای غیررانتی طی سال‌های مورد مطالعه بوده است.

طبقه‌بندی JEL: O40; D73; C30

واژه‌های کلیدی: فساد، رشد اقتصادی، تأثیرگذاری غیرمستقیم فساد، پانل معادلات همزمان

\* به ترتیب، دانشیار گروه اقتصاد (نویسنده مسئول) و دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.  
([hamidbasu1340@gmail.com](mailto:hamidbasu1340@gmail.com))

## ۱- مقدمه

فساد یک پدیده ناهنجار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که کم‌وبیش در تمامی کشورها وجود دارد و مانعی اساسی در مقابل رشد و توسعه کشورها محسوب می‌گردد، لذا بررسی دقیق‌تر این پدیده به منظور ریشه‌یابی علل آن و روش‌های تأثیرگذاری آن بر رشد اقتصادی به منظور پیدا کردن راهکارهای مقابله با آن ضروری هست. مفهوم "فساد اقتصادی" از قرن هفدهم در ارتباط با سوءاستفاده کارکنان دولتی برای به دست آوردن منافع شخصی بکار برده شده است. از دید منتسکیو<sup>۱</sup> فساد یک سامانه سیاسی خوب و صحیح را به یک سامانه زشت و ناپسند تبدیل می‌کند (کردلو، ۱۳۸۴). فساد یک پدیده ناهنجار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و گرچه تعاریف متعددی از آن ارائه شده، اما ساده‌ترین و رایج‌ترین آن‌ها، تعریف بانک جهانی از این مفهوم هست. از دیدگاه بانک جهانی، فساد عبارت است از سوءاستفاده از امکانات دولتی در جهت تأمین منافع شخصی (بانک جهانی، ۲، ۱۹۹۷). در بسیاری از کشورها، فرآیند فساد در جهت تأمین مالی فعالیت‌های حزبی سیاسی صورت می‌گیرد (تانزی، ۳، ۱۹۹۸). توجه به مقوله فساد، از اواسط دهه ۱۹۹۰ با انجام بررسی‌های متعدد در ارتباط با هزینه اقتصادی فساد و اثر آن بر روی رشد اقتصادی شدت گرفت و به نتایج مشابه و گاهی متفاوت اشاره نمودند (رهبر و همکاران، ۱۳۸۱). از آنجایی که اثر فساد بر رشد اقتصادی از طریق عوامل واسطه‌ای مشخصی صورت می‌پذیرد اثر عامل واسطه‌ای مزبور بر رشد اقتصادی، شناسایی و تفکیک چگونگی جهت دستیابی به نتایج قابل‌اتکابا اهمیت تلقی می‌گردد، بنابراین در اغلب مطالعات انجام شده نظیر مطالعات پلگرینی و گرالف<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)، درر و هرزفلد<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، دوال و ایبن<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) و همچنین پلگرینی (۲۰۱۱)، عوامل واسطه‌ای تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی مورد تأکید و بررسی قرار گرفته است.

موضوع فساد در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان مانند کشورهای رانته نیز موضوعیت دارد و با توجه به شرایط درآمدی خاص این کشورها، فساد می‌تواند

<sup>1</sup> Monteschio

<sup>2</sup> World Bank

<sup>3</sup> Tanzi

<sup>4</sup> Pellegrini and Gerlagh

<sup>5</sup> Dreher and Herzfeld

<sup>6</sup> De Vaal and Ebben

شرایط و اثرات متفاوتی نسبت با سایر کشورها داشته باشد. گیلفاسن<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) معتقد است، واقعیت پدید آمدن نفرین منابع طبیعی در کشورهای دارای ساختار رانتی، موجب شده که مواهب طبیعی<sup>۸</sup> و درآمدهای رانتی حاصل از آن راه را برای گسترش فساد هموار نماید، به طوری که در بسیاری از موارد رانت منابع طبیعی عاملان اقتصادی را تحریک می‌کند تا برای دسترسی به این منابع به دستگاه‌های دولتی رشوه دهند. واژه نفرین منابع برای اولین بار در سال ۱۹۳۹، طی بررسی علل ناکامی کشورهای برخوردار از مواهب طبیعی در توسعه اقتصادی و به خصوص شکست آن‌ها در پایه‌گذاری یک رشد مستمر و مناسب اقتصادی، توسط اقتصاددان مشهور انگلیسی و صاحب نظر، آوتی<sup>۹</sup> به کار گرفته شد. به نظر می‌رسد فساد و رانت جویی یکی از علل اصلی عدم دستیابی به رشد اقتصادی در کشورهای با منابع فراوان باشد و به همین دلیل انتظار می‌رود که سازوکارهای تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی در این کشورها متفاوت باشد (پناهی و امینی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین لازم است که میزان و اهمیت هر یک از عوامل واسطه‌ای تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی در این کشورها را از یکدیگر تفکیک و الگوهای فساد این دو گروه از کشورها را مورد بررسی مقایسه‌ای قرار داد؛ بنابراین، هدف از انجام این پژوهش بررسی اثرات غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی کشورهای با اقتصاد رانتی و غیررانتی با تأکید بر شاخص ادراک فساد است. جهت بررسی مقایسه‌ای عوامل واسطه‌ای تأثیرگذاری فساد بر رشد در اقتصادهای رانتی و غیررانتی تحلیل مبتنی بر اطلاعات ۵۳ کشور اعم از کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه (پیوست ۱) برای دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۶، با استفاده از روش پانل معادلات همزمان به همراه تخمین تمامی الگوها با استفاده از نرم‌افزار STATA13 انجام شده است. لازم به ذکر است، بررسی اثرات غیرمستقیم فساد از طریق شناسایی همزمان عوامل واسطه‌ای تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی با تأکید بر شاخص ادراک فساد (CPI) که توسط سازمان شفافیت بین‌الملل ارائه گردیده از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد این پژوهش است که قبل از این انجام نشده است. مقاله حاضر در شش بخش تدوین شده است، به طوری که پس از مقدمه، ابتدا مروری بر ادبیات موضوع شامل مبانی نظری و پیشینه تحقیق انجام می‌گردد. در گام بعدی،

<sup>۷</sup> Gylfason

<sup>۸</sup> Endowment

<sup>۹</sup> Auty

ابتدا مدل و روش تحقیق معرفی شده و سپس نتایج حاصل از تخمین مدل و نتیجه‌گیری و پیشنهادهای ارائه خواهد گردید.

## ۲- مبانی نظری تحقیق

شاخص ادراک فساد<sup>۱۰</sup> (CPI) که توسط سازمان بین‌المللی شفافیت<sup>۱۱</sup> محاسبه می‌شود و کشورها را بر اساس آن رتبه‌بندی می‌کند، بیانگر میزان فساد اداری و سیاسی در بین دولت‌های مختلف و دید تجاری مردم و کارشناسان نسبت به دنیای اطرافشان است. از این رو این شاخص هم نتیجه نظرسنجی از مردم است و هم ارزیابی عملکرد کشورها از نظر کارشناسان. این شاخص که میزان فساد در کشورها را بین صفر (بیشترین میزان فساد) تا ۱۰۰ (کمترین میزان فساد) درجه‌بندی می‌کند، بیانگر وضعیت میزان پاسخگویی مدیران اجرایی، شفافیت مالی و دسترسی به اطلاعات مالی، فساد دولتی به خصوص در بخش‌های قضایی و بانک‌ها و قدرت دولت‌ها در کنترل فساد هست. این گزارش به صورت سالانه ارائه می‌شود و هر ساله تعدادی از کشورها به آن اضافه می‌شوند که در سال ۲۰۱۳، به ۱۷۵ کشور رسیده است. شاخص فساد اقتصادی ارائه‌شده، ترکیبی از داده‌های جمع‌آوری شده توسط طیف گسترده‌ای از مؤسسات مستقل و مطرح در این زمینه است که به وسیله سازمان بین‌المللی شفافیت به صورت خلاصه و در قالب یک شاخص ارائه می‌شود. لازم به ذکر است که روند تاریخی شاخص فساد اقتصادی را باید بر اساس مقدار آن نه رتبه کشورها با یکدیگر مقایسه کرد. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت در سال ۲۰۱۳، ایران با کسب عدد ۲۵ رتبه ۱۴۴ را در بین ۱۷۵ کشور کسب نموده است که نشان‌دهنده وضعیت مطلوبی نیست. البته ایران نسبت به سایر کشورهای خاورمیانه وضعیت به نسبت بهتری دارد، به عنوان مثال افغانستان با کسب عدد ۸ رتبه ۱۷۵ یعنی آخرین رتبه که به معنی بدترین وضعیت است را کسب نموده است. عراق نیز با کسب عدد ۱۶ رتبه ۱۷۱ را دارد و ترکمنستان که همسایه شمالی ایران است، با کسب عدد ۱۷ رتبه ۱۶۸ را دارا هست. البته برخی از دیگر کشورها وضعیت بهتری نسبت به ایران دارند مانند ترکیه و عربستان.

<sup>۱۰</sup> Corruption Perceptions Index

<sup>۱۱</sup> Transparency International

در ارتباط با مبانی نظری اثرگذاری عوامل واسطه‌ای و انتقال فساد به اقتصاد ابتدا لازم است عوامل واسطه‌ای انتقال بالقوه شامل عوامل واسطه‌ای سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی، عامل سرمایه انسانی، عوامل اندازه دولت و عامل واسطه‌ای بی‌ثباتی سیاسی شناسایی و تعریف گردد.

## ۲-۱- عامل انتقال سرمایه‌گذاری فیزیکی

ملاحظات نظری و شواهد تجربی هر دو نشان می‌دهند که فساد از طریق تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی می‌تواند رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. مطالعات مائورو<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۵ و ۱۹۹۸)؛ آدیس و دیتلا<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۷)؛ کافمن و وی<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۰) و جین<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۱) نشان می‌دهند که فساد با اضافه کردن عدم اطمینان به بازده فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کارآفرینان مجبور هستند که بخشی از درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری خود را به منظور به دست آوردن دسترسی به بازار هدف خود به مقامات فاسد واگذار کنند؛ بنابراین فساد از یک طرف، به عنوان مالیات بر سود گذشته به صورت کاهش انگیزه افراد برای سرمایه‌گذاری عمل می‌کند و از طرف دیگر، از طریق کارهای غیرقانونی و پنهان کاری در ارتباط با فساد، عدم اطمینان حاصل می‌شود. به طوری که فساد، عدم قطعیت بازده فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را افزایش و در نهایت انگیزه افراد برای سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد (شلفر و ویشنی<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۳). البته باید به این نکته نیز توجه داشت که فساد احتمالاً می‌تواند در صورت بروز شرایط خاص با مقررات دست و پاگیر و سخت‌گیرانه اداری، در مواردی از طریق اثر روغن کاری چرخ<sup>۱۷</sup> دارای اثرات مثبت بر سرمایه‌گذاری نیز باشد؛ بنابراین، از آنجاکه بسیاری از مطالعات نظیر مطالعه لوین و رنلت<sup>۱۸</sup> (۱۹۹۲)، نشان داده‌اند، سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های فیزیکی به عنوان یکی از قوی‌ترین عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی است و فساد می‌تواند از

<sup>12</sup> Mauro

<sup>13</sup> Ades and Di Tella

<sup>14</sup> Kaufmann and Wei

<sup>15</sup> Jain

<sup>16</sup> Shleifer and Vishny

<sup>17</sup> Oiling the wheels

<sup>18</sup> Levine and Renelt

طریق تأثیرگذاری بر سرمایه‌گذاری به‌طور غیرمستقیم بر رشد اقتصادی نیز تأثیر گذارد.

## ۲-۲- عامل انتقال سرمایه انسانی

عامل فساد، فرایند سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی را از طریق چهار سازوکار دچار اختلال می‌سازد می‌کند. اول اینکه، عامل فساد، نظام مالیاتی را ضعیف کرده و موجب فرار مالیاتی و معافیت‌های نادرست مالیاتی می‌شود. به‌طوری‌که درآمد مالیاتی پایین‌تر موجب می‌شود تا منابع در دسترس بخش عمومی برای ارائه خدمات از جمله آموزش و بهداشت کمتر شود (مائورو، ۲۰۰۴، جانسون<sup>۱۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۰؛ گوپتا<sup>۲۰</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). دوم آن‌که عامل فساد، هزینه عملیاتی دولت را افزایش داده و در نتیجه موجب کاهش منابع در دسترس برای استفاده‌های دیگر از جمله تشکیل سرمایه انسانی می‌گردد. سوم آن‌که عامل فساد، ترکیب هزینه‌های دولت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌طوری‌که اگر مقامات فاسد باشند، جهت تخصیص منابع دولت، احتمال گرفتن رشوه افزایش می‌یابد. مخارج آموزش و پرورش و بهداشت، فرصت رانت‌خواری را کاهش می‌دهد؛ زیرا آموزش و پرورش ابتدایی تنها به فن‌های پایه نیاز دارد که می‌تواند توسط تعداد نسبتاً زیادی از ارائه‌کنندگان این خدمات تأمین شود (مائورو، ۱۹۹۸). این کاهش فرصت برای فساد از آنجا ناشی می‌شود که قیمت‌ها نمی‌توانند به‌آسانی بیش از مقداری که عنوان شده، مخفی شوند. مائورو (۱۹۹۸) و گوپتا و همکاران (۲۰۰۱) در تحقیقات تجربی خود، نشان می‌دهند که عامل فساد اثرات منفی بر روی چگونگی ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی دارد. درنهایت، عامل فساد می‌تواند سهم هزینه‌های اختصاص داده شده به عملیات تعمیر و نگهداری را کاهش دهد (تانزی و داودی<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۷). این قبیل هزینه‌ها، فرصت بیشتری برای رانت‌خواری فراهم نکرده و به‌عنوان یک مانع در جهت به دست آوردن این رانت عمل می‌کند. پس عاملین انجام این کارها از روی عمد کار باکیفیت پایین ارائه می‌دهند تا نیاز به بازسازی به وجود آید و در نتیجه از طریق مناقصه فرصت رانت‌خواری مجدد را به دست می‌آورند. مائورو (۲۰۰۴) معتقد است که یک سیستم فاسد، درازای رشوه،

<sup>19</sup> Johnson

<sup>20</sup> Gupta

<sup>21</sup> Tanzi and Davoodi

تمایل بیشتر به تائید قراردادهای مربوط به تدارکات عمومی باکیفیت پایین دارد و این امر موجبات کاهش کیفیت آموزش و پرورش و همچنین خدمات بهداشتی را پایین آورده و بر توانایی دولت برای بهبود و حصول استانداردهای آموزشی و درمانی تأثیر می‌گذارد.

### ۲-۳- عامل انتقال اندازه دولت

تأثیر بالقوه عامل فساد بر اندازه دولت با شاخص اندازه‌گیری نسبت مصرف بخش عمومی به تولید ناخالص داخلی، دوطرفه است. از یک طرف، فساد می‌تواند مشوقی در جهت افزایش تخصیص ناکارآمد منابع دولتی به سمت مقامات فاسدی که دنبال به حداکثر رساندن توانمندی رانت‌خواری خود هستند، باشد (مونتینولا و جکمن<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۲: ۱۵۰)؛ زیرا در زمینه سرمایه‌گذاری عمومی، برخی از شواهد تجربی تأکید دارند که عامل فساد، حجم سرمایه‌گذاری عمومی را افزایش می‌دهد (تانزی و داودی، ۱۹۹۷؛ هاگو و نلر<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۸). از طرف دیگر، مقامات فاسد می‌توانند، در یک مسیر جایگزین و انحرافی با محدود کردن میزان هزینه‌های مصرف عمومی، رانت‌های خود را افزایش دهند. الیوت<sup>۲۴</sup> (۱۹۹۷) از جمله کسانی است که با اشاره به برخی شواهد تجربی در حمایت از این استدلال عنوان می‌کند که با افزایش فساد، اندازه دولت کاهش می‌یابد. در گذشته همچنین، مطالعات تجربی تأثیر فساد بر کاهش درآمد دولت (جانسون و همکاران، ۲۰۰۱) و همچنین کاهش رشد اقتصادی را تائید کرده‌اند (به‌عنوان مثال، بارو، ۱۹۹۱؛ بارو و سالای مارتین<sup>۲۵</sup>، ۱۹۹۵). معمولاً نتایج به‌دست‌آمده از لحاظ نظری توسط اختلال به وجود آمده در سطح پس‌انداز ملی (دولت و بخش خصوصی)، با دور زدن روند رقابتی، یا اتلاف منابع دولتی در پروژه‌های غیرضروری توضیح داده می‌شود (بارو، ۱۹۹۱).

<sup>22</sup> Montinola and Jackman

<sup>23</sup> Haque and Kneller

<sup>24</sup> Elliott

<sup>25</sup> SalaiMartin

#### ۲-۴- عامل انتقال بی‌ثباتی سیاسی

معمولاً عامل فساد، مشروعیت مردمی نهادهای سیاسی را به چالش کشیده، بی‌ثباتی سیاسی را افزایش داده و موجب ایجاد خشونت می‌شود (مولوی<sup>۲۶</sup>، ۱۹۹۹ و پلگرینی و گرلاف<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۴). در همین رابطه، گوپتا و همکاران (۲۰۰۲)، معتقدند که عامل فساد با نابرابری و عدم شایسته‌سالاری تقویت شده و ممکن است بی‌ثباتی سیاسی نیز از طریق نابرابری درآمد تقویت شود (مو<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۱). معمولاً وجود نابرابری بالاتر درآمد، برای طبقات کم‌درآمد نسبت به طبقات پردرآمد انگیزه قوی‌تری برای ایجاد روابط غیرقانونی و انجام رفتارهای خشونت‌آمیز فراهم می‌کند، بخصوص اگر تصور شود که منشأ کسب ثروت ناعادلانه بوده است؛ بنابراین عامل فساد، پایه‌های نظام‌های دموکراتیک و یا آنچه فریدمن از آن تحت عنوان بنیان اجتماعی یاد می‌کند را مورد تهاجم قرار داده و به‌طور اجتناب‌ناپذیری منجر به بی‌ثباتی سیاسی می‌شود که با خود کاهش رشد اقتصادی را به همراه می‌آورد (بارو، ۱۹۹۱؛ آلسینا<sup>۲۹</sup> و وکزیارگ، ۱۹۹۸؛ کاسیلی<sup>۳۰</sup> و همکاران، ۱۹۹۶؛ ایسترلی و لوین<sup>۳۱</sup>، ۱۹۹۷).

#### ۳- پیشینه تحقیق

در بین مطالعات خارجی، ریجکهم و ودر<sup>۳۲</sup> (۱۹۹۷) در پژوهش خود رابطه بین سطح دستمزد کارکنان دولت و شاخص فساد مالی را بررسی کرده و به رابطه منفی معنی‌داری بین این دو دست یافته‌اند. تانزی و داوودی (۱۹۹۷) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که از یک طرف، بین افزایش سطح فساد مالی و افزایش سطح سرمایه‌گذاری عمومی و از طرف دیگر، بین کاهش سطح درآمد دولت و کاهش سطح کیفیت زیرساخت‌های عمومی رابطه معنی‌داری وجود دارد. لامبزدرف<sup>۳۳</sup> (۱۹۹۹)، رابطه فساد مالی و رشد اقتصادی را بررسی نموده و مطرح می‌کند که رشد اقتصادی

<sup>26</sup> Mulloy

<sup>27</sup> Gerlagh

<sup>28</sup> Mo

<sup>29</sup> Alesina

<sup>30</sup> Caselli

<sup>31</sup> Easterly and Levine

<sup>32</sup> Rijckgrhem and Weder

<sup>33</sup> lambsdorff



و فساد مالی رابطه‌ای منفی دارند. کافمن و همکاران<sup>۳۴</sup> (۱۹۹۹) به بررسی رابطه رفاه جامعه و فساد پرداخته و به این نتیجه رسیدند که کاهش فساد باعث ارتقاء رفاه جامعه می‌گردد. در بررسی عابد و داوودی<sup>۳۵</sup> (۲۰۰۰)، رابطه معنادار بین فساد و رشد اقتصادی به دست آمد اما او تأکید دارد که با وارد نمودن سایر متغیرهای تأثیرگذار در مدل تخمین، این رابطه از بین می‌رود. روزاشتاین و اوسلانر<sup>۳۶</sup> (۲۰۰۵) به بررسی رابطه بین سه موضوع نابرابری و فساد و سرمایه اجتماعی در ۸۴ کشور پرداخته و علت اختلاف کشورها در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی را در وجود پدیده نابرابری اقتصادی و فرصت‌ها یافتند. از طرف دیگر مشاهده نمودند که در کشورهای موردبررسی، رابطه منفی بین میزان فساد و سطح اعتماد برقرار بوده و با کاهش میزان فساد، سطح اعتماد افزایش یافته است. البته آن‌ها تأکید دارند که تنها راه افزایش سرمایه اجتماعی، صرفاً کاهش نابرابری نیست، به طوری که کشورهای آسیای جنوب شرقی توانستند از طریق صرف مخارج روی آموزش، اصلاحات اراضی، افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی، افزایش دسترسی افراد به بهداشت و درمان و آزادی بازارها و در دسترس بودن خدمات عمومی، به سرمایه اجتماعی بیش‌تر و در نتیجه رشد اقتصادی بهتر دست‌یافته‌اند. استاورس<sup>۳۷</sup> (۲۰۰۶)، رابطه حجم فعالیت‌های زیرزمینی با فساد مالی را مورد بررسی قرارداد و به همراهی مثبت این دو متغیر پی برده است. به لحاظ تجربی نیز مطالعات محدودی در زمینه فساد و رشد اقتصادی انجام شده است. مندز و سپالودا<sup>۳۸</sup> (۲۰۰۶) در بررسی خود، به شواهدی دست یافتند که نشان‌دهنده یک رابطه غیریکنواخت بین فساد و رشد اقتصادی است، به این صورت که در کشورهایی که سطح بالایی از آزادی سیاسی دارند، فساد می‌تواند اثرات سودمندی بر رشد اقتصادی داشته باشد اما در سایر کشورها این رابطه قوی نیست. ایدت و همکاران<sup>۳۹</sup> (۲۰۰۸) نیز به بررسی چگونگی رابطه بین فساد و رشد اقتصادی پرداخته و نشان دادند که این رابطه متأثر از کیفیت نهادهای سیاسی است. به عقیده آن‌ها، در کشورهایی که نهادها کیفیت بالایی دارند، فساد تأثیر منفی و بزرگ بر رشد

<sup>34</sup> Kaufmann D. *et al.*

<sup>35</sup> Abed and Davoodi

<sup>36</sup> Rothstein and Uslaner

<sup>37</sup> Stavros

<sup>38</sup> Mendez and Sepulveds

<sup>39</sup> Aidt, Dutta and sena

دارد ولیکن در کشورهایی که نهادها کیفیت پائینی دارند فساد تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد.

ایبن و وال<sup>۴۰</sup> (۲۰۰۹) در مطالعه خود به بررسی تأثیر عوامل نهادی در ایجاد رابطه بین مقوله فساد به‌عنوان جزئی از ساختار نهادی و رشد اقتصادی کشورها پرداخته و با حداکثر سازی تابع مطلوبیت و وارد کردن شاخص فساد به‌صورت متغیر تأثیرگذار بر رشد نیروی کار و تولید کالاهای عمومی نتیجه گرفتند که عامل فساد ممکن است در کشورهایی با نهادهای توسعه‌نیافته، باعث رشد اقتصادی شود، اما در بلندمدت با بهبود کارکرد نهادی کشورها، اثر مثبت فساد بر رشد، به اثر منفی تبدیل می‌شود. موئن و ویل<sup>۴۱</sup> (۲۰۱۰) در آخرین بررسی خود به شواهدی دست یافتند که نشان می‌دهد در کشورهایی که چهارچوب نهادی آن‌ها کارایی کمتری دارد، فساد اثر زیان‌بار کمتری دارد. هکل من و پاول<sup>۴۲</sup> (۲۰۱۰) نیز به نتایج مشابهی در تأیید فساد کارا جهت فائق آمدن بر ناکارآمدی نهادها رسیده‌اند. نتایج حاصل از مشاهدات آن‌ها حاکی از این واقعیت است که در کشورهایی که آزادی اقتصادی محدود است، فساد رابطه‌ای مثبت با رشد اقتصادی دارد، البته این رابطه با افزایش آزادی اقتصادی کاهش می‌یابد. پلگرینی<sup>۴۳</sup> (۲۰۱۱) در پژوهش خود به رابطه بین فساد و رشد اقتصادی دست‌یافت، اما با وارد شدن متغیر کنترلی سرمایه‌گذاری، سرمایه‌انسانی، درجه باز بودن اقتصاد و عدم ثبات سیاسی، این رابطه معنی‌داری خود را از دست داد. سوالهین<sup>۴۴</sup> (۲۰۱۲)، ضمن بررسی رابطه فساد و رشد بر این موضوع تأکید می‌کند که تنها در صورتی تداوم سیاست کنترل فساد، می‌توان شاهد افزایش رشد اقتصادی بود، در غیر این صورت نتیجه مناسب حاصل نخواهد شد. آيسن و ویگا<sup>۴۵</sup> (۲۰۱۳) به بررسی اثر عدم ثبات سیاسی بر روی رشد اقتصادی به‌عنوان یک عامل واسطه‌ای تأثیر فساد، با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) برای مدل‌های خطی پویای پانل دیتا و برای ۱۶۹ کشور، طی بازه زمانی ۲۰۰۴-۱۹۶۰ پرداخته و به این نتیجه رسیدند که عدم ثبات سیاسی به‌شدت باعث کاهش نرخ

<sup>40</sup> Ebben and Vaal

<sup>41</sup> Moen and Weill

<sup>42</sup> Heckelman and Powell

<sup>43</sup> Pellegrini

<sup>44</sup> Swaleheen

<sup>45</sup> Aisen and Veiga

رشد تولید ناخالص داخلی سرانه می‌گردد. راجیو و نلسون<sup>۴۶</sup> (۲۰۱۲) به بررسی رابطه اندازه دولت و میزان فساد پرداخته و نشان دادند که رابطه مثبتی بین این دو وجود دارد. الانشاسی و کتسایتی<sup>۴۷</sup> (۲۰۱۳)، با استفاده از یک مدل پانل دیتا در بازه زمانی ۱۹۸۴-۲۰۰۸، به بررسی رابطه بین وفور منابع طبیعی و عملکرد مالی اقتصادهای رانتهی پرداخته و تأکید داشتند که کنترل فساد از طریق اعمال حکمرانی اثرات مثبت بر رشد اقتصادی دارد. تسانی<sup>۴۸</sup> (۲۰۱۳) به بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی و رابطه آن با کیفیت نهادها و کنترل فساد پرداخت و پیشنهاد نمود که جهت کنترل پدیده نفرین منابع طبیعی از صندوق‌های ذخیره درآمدهای حاصل از منابع استفاده شود. دزهاماشو<sup>۴۹</sup> (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین فساد و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش حکمرانی، مخارج عمومی و توسعه اقتصادی پرداخته و به این نتیجه رسید که کارایی مخارج دولت حاصل تعامل بین فساد و حکمرانی دولت است و مخارج دولت عامل تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی هست، به طوری که با ارتقاء سطح توسعه یافتگی اقتصاد، فساد کاهش می‌یابد. حسامی<sup>۵۰</sup> (۲۰۱۴) به بررسی رابطه فساد و مخارج دولت با استفاده از یک مدل رانت‌جویی برای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) پرداخته و نتیجه پژوهش وی حاکی از آن است که ترکیب مخارج دولت با افزایش شاخص فساد به سمت کالاهای با فناوری بالا که توسط بنگاه‌های غیررقابتی تهیه می‌شوند گرایش می‌یابد.

در میان مطالعات داخلی، صباحی و ملک الساداتی (۱۳۸۸)، در مطالعه خود، به بررسی تأثیر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی در نمونه‌ای وسیع از کشورهای جهان، در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ پرداخت. نتایج برآورد مدل تحقیق، گویای این است که اگرچه در کشورهای پردرآمد و کشورهای دارای درآمد متوسط کنترل فساد با رشد اقتصادی ارتباط مثبت معناداری دارد، در کشورهای کم‌درآمد این ارتباط منفی و معنادار است. صادقی و همکاران (۱۳۸۹)، سعی نمودند به اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی بپردازند و نتیجه‌گیری نمایند که عامل فساد

<sup>46</sup> Rajeev and Nelson

<sup>47</sup> El Anshasy and Katsaiti

<sup>48</sup> Tsani

<sup>49</sup> Dzhumashev

<sup>50</sup> Hessami

پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی و دارای علل و آثار چندگانه است و دامنه آن از یک عمل فردی (مانند رشوه) تا یک سوءعمل فراگیر که تمام ارکان نظام سیاسی و اقتصادی را در برمی‌گیرد، گسترده است. آن‌ها همچنین نشان دادند، با فرض آنکه حجم اقتصاد زیرزمینی و شاخص واقعی دستمزد مهم‌ترین عوامل اقتصادی پدیده فساد باشند، روند شاخص فازی فساد ایران در فاصله سال‌های ۴۳ تا ۴۸ با شاخص عددی حدود ۰/۷ بیشترین مقدار را داشته و طی دوره (۵۳-۱۳۴۸) کاهش یافته است. همچنین در فاصله سال‌های (۵۸-۱۳۵۳) و از سال ۱۳۷۳ به بعد روند صعودی داشته است. بعد از انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی شاخص عددی از پایداری نسبی برخوردار بوده و بین ۰/۳ تا ۰/۵ نوسان داشته است. بعد از جنگ تحمیلی نیز روند افزایشی شاخص فازی فساد مشاهده شده است. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از بررسی رابطه فساد، اندازه دولت و درجه باز بودن اقتصاد در مدل‌های رشد در پژوهش صیادزاده و علمی (۱۳۹۰)، بیانگر اثر مثبت درجه بازی اقتصاد بر کاهش فساد اقتصادی و رابطه معکوس اندازه دولت با شاخص فساد اقتصادی است، یعنی هرچه اندازه دولت کوچک‌تر باشد، فساد اقتصادی کمتر خواهد بود.

#### ۴- روش تحقیق

لازم به اشاره اینکه می‌توان با استفاده از چهارچوب مدل SUR برای تخمین تک معادله‌ها به تخمین زن معادلات همزمان رسید و با توجه به آنکه در این پژوهش از روش 3SLS استفاده شده است، نحوه استخراج این تخمین زن در ادامه ذکر می‌گردد. سیستم معادلات مشخص زیر را در نظر بگیرید (رابطه ۱).

$$y = Z\delta + u \quad (1)$$

که در آن  $y' = y'_1, \dots, y'_M$ ,  $Z = \text{diag } Z_j$ ,  $\delta' = \delta'_1, \dots, \delta'_M$

همچنین  $u' = u'_1, \dots, u'_M$  است که در آن  $Z_j = [Y_j, X_j]$  و دارای ابعاد  $NT \times (g_j + k_j)$  برای  $j=1, \dots, M$  است. در این حالت،  $g_j$  شامل سمت راست  $Y_j$  و  $k_j$  شامل سمت راست  $X_j$  است. این حالت تنها از این لحاظ که متغیرهای درونزا در سمت راست سیستم معادلات وجود دارد از مدل SUR متفاوت است. برای مدل‌های یک‌طرفه اجزاء خطا، توزیع  $z$  امین معادله  $u_j$  به صورت رابطه ۲، داده شده است:

$$u_j = Z_{\mu} \mu_j + v_j \quad j = 1, \dots, M \quad (2)$$

که در آن:

$$Z_{\mu} = I_N \otimes I_T \quad \mu'_j = \mu_{1j}, \mu_{2j}, \dots, \mu_{Nj}$$

و

$$v'_j = (v_{11j}, \dots, v_{1Tj}, \dots, v_{N1j}, \dots, v_{NTj})$$

عبارتند از بردارهای با میانگین صفر و ماتریس کوواریانس:

$$E \begin{pmatrix} \mu_j \\ v_j \end{pmatrix} \begin{pmatrix} \mu'_j, v'_j \end{pmatrix} = \begin{pmatrix} \sigma_{\mu_{jl}}^2 & 0 \\ 0 & \sigma_{v_{jl}}^2 I_{NT} \end{pmatrix}$$

همچنین مانند حالت SUR در رابطه ۳، داریم:

$$\Omega_{jl} = E uu' = \sigma_{\mu_{jl}}^2 I_N \otimes J_T + \sigma_{v_{jl}}^2 I_N \otimes I_T \quad (3)$$

در این حالت ماتریس کوواریانس بین توزیع‌های معادلات مختلف دارای همان شکل اجزاء خطای یک‌طرفه است. به‌جز اینکه اکنون واریانس‌های بین معادله‌ای بیشتری وجود دارند که باید تخمین زده شوند. ماتریس واریانس-کوواریانس برای مجموعه M معادله به‌صورت رابطه ۴، است.

$$\Omega = E uu' = \sum_{\mu} \otimes I_N \otimes J_T + \sum_{v} \otimes I_N \otimes I_T \quad (4)$$

که در آن  $u' = (u'_1, u'_2, \dots, u'_M)$  یک بردار  $M \times 1$  است که  $u_j$  و طبق رابطه ۲، تعریف شده است. همچنین طبق رابطه ۵ داریم:

$$\Omega^{-1/2} = \sum_1^{-1/2} \otimes P + \sum_v^{-1/2} \otimes Q \quad (5)$$

با پیش ضرب کردن رابطه (۱) در  $(I_M \otimes Q)$  رابطه ۶، به دست می‌آید:

$$Z\delta + u$$

$$y = (I_M \otimes Q)y, Z = (I_M \otimes Q)Z, u = (I_M \otimes Q)u \quad (6)$$

با اجرای 3SLS بر روی رابطه (۶) با استفاده از  $(I_M \otimes X)$  به‌عنوان یک مجموعه ابزار که در آن  $X = QX$  است، تخمین زنده 3SLS به‌صورت رابطه ۷، به دست می‌آید:

$$\delta_{W3SLS} = [\bar{Z}' \sum_v^{-1} \otimes P_{\bar{X}} \bar{Z}]^{-1} \bar{Z}' \sum_v^{-1} \otimes P_{\bar{X}} \bar{y} \quad (7)$$

در گذشته برای بررسی رابطه فساد و رشد اقتصادی، اغلب مطالعات انجام شده بر روش تجزیه اثرها متکی بودند و از ویژگی‌های مشترک آن‌ها، تمرکز بر یک یا چند عامل واسطه‌ای معین تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی بود که ممکن است رابطه بین فساد و رشد اقتصادی را توضیح دهند. لازم به اشاره اینکه در روش‌های مزبور، تخمین بیش از حد میزان تأثیر هر عامل واسطه‌ای در تأثیرگذاری کل فساد بر رشد اقتصادی امکان‌پذیر است و طبق ادبیات تجربی موجود، از آنجایی که بیشتر متغیرهای متداول تعیین‌کننده رشد اقتصادی، خود به شدت متأثر از فساد هستند، در واقع استفاده از این روش مشکل‌زا است. با توجه به هدف از پژوهش و جهت بررسی و تحلیل وابستگی‌های درونی و تشخیص عوامل واسطه‌ای که از طریق آن‌ها ممکن است فساد بر رشد اقتصادی اثر بگذارد، از روشی متفاوت بر مبنای تخمین یک سیستم معادلات همزمان برای کشورهای منتخب استفاده می‌شود تا در ابتدا اثر فساد بر متغیرهای متفاوت تعیین‌کننده رشد اقتصادی را بررسی کرده و سپس مشارکت نسبی هر عامل واسطه‌ای در اثر کل فساد بر رشد اقتصادی را مشخص نماییم. به نوعی می‌توان گفت که این پژوهش با الهام از روش‌شناسی تاوارس و وکزیراگ<sup>۵۱</sup> (۲۰۰۱) که بر مبنای سیستمی از معادلات بنانهاده شده است، به بررسی نحوه تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی از عوامل واسطه‌ای مختلف به صورت همزمان می‌پردازد. در طراحی سیستم معادلات همزمانی این پژوهش، ابتدا یک معادله رشد بر مبنای متغیرهای استاندارد مدل‌های رشد و متغیرهای عوامل واسطه‌ای تأثیرگذار شامل سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی، مخارج دولت و عدم ثبات سیاسی تدوین می‌شود و سپس برای هر یک از عوامل واسطه‌ای تأثیرگذار نیز معادله‌ای جداگانه شامل عوامل تعیین‌کننده آن عامل تصریح می‌گردد.

از آنجاکه روابط بین عوامل واسطه‌ای تأثیرگذار از اهمیت زیادی برخوردار است، بنابراین پارامترهای مورد توجه همان ضرایبی هستند که نشان‌دهنده تأثیر تغییرات نهایی در شاخص فساد بر روی متغیر وابسته می‌باشند. نتیجه حاصل از ضریب فساد در معادله عامل ضربدر ضریب متغیر عامل در معادله رشد، نشان‌دهنده آن است که فساد تا چه حد از طریق این عامل واسطه‌ای مشخص رشد را متأثر می‌کند. بدیهی است که هر معادله عامل واسطه‌ای علاوه بر شاخص فساد شامل چند متغیر کنترل نیز هست که برخی از آن‌ها در سیستم معادلات، درون‌زا خواهند شد.

<sup>51</sup> Tavares and Wacziarg

با توجه به موارد ذکرشده در مبانی نظری و مطالعات تجربی پیشین، عوامل واسطه‌ای تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی در این پژوهش شامل؛ (۱) سرمایه‌گذاری، (۲) سرمایه انسانی، (۳) مخارج دولت و (۴) عدم ثبات سیاسی هستند که البته متغیرهای نهایی و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها با برآورد مدل‌ها مشخص خواهند شد. مدل اقتصادسنجی این پژوهش مبتنی بر شش معادله به صورت روابط ۸ الی ۱۳ است.

$$GR_{it} = f(IGRP_{it}, HC_{it}, GOV_{it}, PI_{it}, INV_{it}) \quad (۸)$$

$$CRP_{it} = f(GINI_{it}, VOA_{it}, EF_{it}, PI_{it}) \quad (۹)$$

$$HC_{it} = f(CRP_{it}, URBAN_{it}, RL_{it}, POP15_{it}) \quad (۱۰)$$

$$INV_{it} = f(IGDP_{it}, CRP_{it}, HC_{it}, GOV_{it}, RL_{it}, POP15_{it}) \quad (۱۱)$$

$$GOV_{it} = f(RQ_{it}, CRP_{it}, URBAN_{it}, VOA_{it}, POP15_{it}) \quad (۱۲)$$

$$PI_{it} = f(RQ_{it}, CRP_{it}, GOV_{it}) \quad (۱۳)$$

که در رابطه ۸ داریم GR: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت ۲۰۰۵، IGDP: تولید ناخالص سرانه پایه<sup>۵۲</sup> لگاریتم GDP: سرانه به قیمت ثابت سال ۱۹۹۸، چهار متغیر بعدی متغیرهای انتقال می‌باشند؛ یعنی HC: سرمایه انسانی، ثبت‌نام متوسط مدارس (%GDP)، GOV: هزینه‌های دولت، نسبت هزینه مصرفی نهایی دولت به GDP (%GDP)، PI: بی‌ثباتی سیاسی، INV: سرمایه‌گذاری، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (% از GDP) هستند.

در رابطه ۹، برای معادله فساد علاوه بر متغیر تعریف‌شده در معادله قبلی، متغیرهای CRP: شاخص فساد، سرانه، GINI: شاخص نابرابر (ضریب جینی)، VOA: حق اظهارنظر مردم و قابل‌حسابرسی بودن دولتمردان و EF: آزادی اقتصادی هستند. برای تشکیل معادله سرمایه انسانی در رابطه ۱۰، URBAN: نرخ شهرسازی، RL: حاکمیت قانون<sup>۵۳</sup> و POP15 سهم جمعیت زیر ۱۵ سال هستند. برای تشکیل معادله سرمایه‌گذاری که به صورت رابطه ۱۱ تعریف گردید، برای تشکیل معادله هزینه‌های دولت رابطه ۱۲ معرفی شد که در آن RQ کیفیت تنظیم مقررات<sup>۵۴</sup> را نشان می‌دهد. همچنین برای تشکیل معادله آخر یعنی ثبات سیاسی به صورت رابطه ۱۳، استفاده شده است.

<sup>52</sup> Initial

<sup>53</sup> Rule of law

<sup>54</sup> Regulatory Quality

در راستای اهداف پژوهش، برای شاخص فساد، از شاخص ادراک فساد<sup>۵۵</sup> (CPI) استفاده شده است که توسط سازمان بین‌المللی شفافیت محاسبه می‌شود و کشورها را بر اساس آن رتبه‌بندی می‌کند. این شاخص که میزان فساد در کشورها را بین صفر (بیشترین میزان فساد) تا ۱۰۰ (کمترین میزان فساد) درجه‌بندی می‌کند، بیانگر وضعیت میزان پاسخگویی مدیران اجرایی، شفافیت مالی و دسترسی به اطلاعات مالی، فساد دولتی به‌خصوص در بخش‌های قضایی و بانک‌ها و قدرت دولت‌ها در کنترل فساد هست. در این مطالعه به‌منظور تسهیل تفسیر ضرایب تغییر مقیاس از طریق کسر مقدار شاخص از ۱۰۰ صورت پذیرفته است، بدین ترتیب عدد بزرگ‌تر شاخص نشان‌دهنده فساد بیشتر خواهد بود.

### ۵- یافته‌ها و نتایج

جهت بررسی اثرات غیرمستقیم فساد بر رشد در اقتصادی تحلیل مبتنی بر اطلاعات ۵۳ کشور اعم از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برای دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۶، به همراه تخمین تمامی الگوها با استفاده از نرم‌افزار STATA13 صورت پذیرفت. در ابتدا، ایستائی متغیرهای مورد استفاده در الگوی این پژوهش که از نوع داده‌های تابلویی است، مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آزمون ریشه واحد با آزمون نوع فیشر<sup>۵۶</sup> برای کلیه متغیرها نشان داد که فرضیه صفر مبتنی بر ریشه واحد متغیرها یا نایستائی آن‌ها در سطح ۵٪ معنی‌داری رد می‌شود.

برای بررسی اثر متغیرهای انتقال بر رشد اقتصادی، اثر شاخص فساد بر روی هر یک از متغیرهای انتقال و سهم نسبی هر یک از متغیرهای انتقال برای تأثیرگذاری فساد بر روی رشد، از معادلات همزمان با روش‌های 2SLS، 3SLS، برای بررسی همبستگی اخلال‌ها در معادلات مقطعی<sup>۵۷</sup> از آزمون بروش-پاگان و برای انتخاب درست روش‌های برآورد، از آزمون هاسمن<sup>۵۸</sup> استفاده شد. نتایج آزمون بروش-پاگان

<sup>55</sup> Corruption Perceptions Index

<sup>56</sup> Fishertype

<sup>57</sup> همانطور که در ادبیات اقتصادسنجی دستگاه معادلات همزمان بیان شده است، می‌توان این معادلات را به دو صورت برآورد نمود. اگر فرض نماییم، جملات خطا در معادلات مستقل از هم هستند، آنگاه می‌توان با استفاده از تخمین‌زن حداقل مربعات چندمرحله‌ای هر یک از معادلات سیستم را به‌صورت تک معادله‌ای برآورد نمود. اما اگر نتوان این فرض را برآورده ساختن آنگاه باید از دستگاه معادلات همزمان برای تخمین معادلات استفاده نمود.

<sup>58</sup> Hausman



برای باقیمانده‌های معادلات مقطعی نشان می‌دهد که مستقل نیستند، یعنی با به دست آوردن مقدار آزمون برابر  $۸/۷$  ( $۰/۰۰۱$ )، فرض صفر مبنی بر استقلال باقیمانده‌ها رد می‌شود، در نتیجه معادلات را باید به صورت همزمان تخمین زد. همچنین مقدار آزمون هاسمن ( $۳۸/۸۷$ )، فرض صفر را تأیید نمی‌کند و نشان می‌دهد که روش 3SLS سازگارتر از روش 2SLS است. لذا از رویکرد حداقل مربعات سه مرحله‌ای برای این الگوها استفاده می‌گردد.

#### ۵-۱- بررسی اثر غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی برای کل کشورها

نتایج برآورد برای شاخص ادراک فساد (CPI) در جدول ۱ گزارش شده است که در آن اثر ۴ متغیر انتقال بر رشد در برای رویکرد حداقل مربعات سه مرحله‌ای نشان داده می‌شود. طبق ستون اول سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی و ثبات سیاسی اثر مثبت و هزینه‌های دولت اثر منفی دارند که برای همه متغیرها غیر از ثبات سیاسی ضریب معنی‌دار است. همچنین حسب ستون دوم اثر فساد بر متغیرهای سرمایه انسانی، هزینه‌های دولت، ثبات سیاسی و سرمایه‌گذاری منفی است. در ستون سوم جدول (۱) اثر فساد بر رشد از طریق عوامل واسطه‌ای مختلف یعنی برای سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی و ثبات سیاسی اثر منفی و هزینه‌های دولت مثبت است که در نهایت اثر کل برابر  $۰/۰۱-$  که به لحاظ آماری معنی‌دار است. بیشترین عامل اثرگذاری فساد بر رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری بوده است.

جدول ۱: بررسی اثر غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی برای کل کشورها

اثر فساد بر رشد	اثر فساد بر متغیر عامل واسطه‌ای	اثر عامل بر رشد	عامل واسطه‌ای
$-۰/۰۰۱$ ( $۰/۰۲$ )	$-۰/۲۷$ ( $۰/۰۰$ )	$۰/۰۰۵$ ( $۰/۰۰$ )	سرمایه انسانی
$-۰/۰۲$ ( $۰/۰۰$ )	$-۰/۰۲$ ( $۰/۰۰$ )	$۰/۹۳$ ( $۰/۰۰$ )	سرمایه‌گذاری
$۰/۰۰۳$ ( $۰/۰۰۴$ )	$-۰/۰۸$ ( $۰/۰۰$ )	$-۰/۰۴$ ( $۰/۰۰$ )	هزینه‌های دولت
$-۰/۰۰۰۱$ ( $۰/۸۸$ )	$-۰/۰۳$ ( $۰/۰۰$ )	$۰/۰۰۴$ ( $۰/۸۸$ )	ثبات سیاسی
$-۰/۰۱$ ( $۰/۰۰۲$ )			اثر کل

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نکته: اعداد داخل پرانتز مقدار معنی‌داری در سطح  $۵\%$  را نشان می‌دهد.

۵-۲- آزمون جامعیت مدل<sup>۵۹</sup>

برای بررسی جامعیت مدل و مشاهده اینکه آیا چهار عامل واسطه‌ای انتخاب شده در این پژوهش، به‌طور کامل می‌توانند اثرات شاخص فساد بر رشد اقتصادی را نشان دهند، از روش معرفی شده توسط واکزیرگ<sup>۶۰</sup> (۲۰۰۱) استفاده شد و یک آزمون بر روی باقیمانده‌های معادله رشد صورت پذیرفت. این آزمون از رگرسیون بردار باقیمانده‌های حاصل شده از معادله رشد بر روی شاخص فساد به دست می‌آید. در صورت معنی‌دار بودن این رگرسیون، نشان‌دهنده آن است که برخی متغیرهای انتقال مهم و تأثیرگذار از معادله رشد حذف شده و در معادله رشد ارتباط بین فساد و رشد اقتصادی را به‌خوبی بیان نمی‌کنند. نتایج حاصل از تخمین‌های رگرسیون 3SLS برای دو شاخص موردنظر در جدول ۲، خلاصه شده است. ملاحظه می‌گردد که اثر باقیمانده‌ها بر روی فساد منفی است اما به لحاظ آماری معنی‌دار نیست، صرف‌نظر از اینکه روش تخمین و شاخص فساد چه باشد، این نتیجه تأیید می‌کند که متغیرهای انتقال حذف شده معنی‌دار نیستند و بنابراین ۴ متغیر انتقال انتخاب شده از جامعیت برای بررسی رابطه بین دو متغیر رشد اقتصادی و فساد برخوردار هستند.

جدول ۲: آزمون باقیمانده‌ها به دست آمده از معادله رشد

	CPI	Graft
	3SLS	3SLS
شاخص فساد	-۰/۰۰۰۲ (۰/۴۸۹)	۰/۰۰۰۲ (۰/۹۷۵)
N	۵۳	۵۳
R2	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در ادامه، برای بررسی اثر غیرشرطی فساد بر رشد اقتصادی، باید تمام عوامل واسطه‌ای انتقال که نشان‌دهنده انتقال اثر فساد بر رشد بوده را از مدل حذف نمود و فقط اثر کلی شاخص فساد را بر رشد مورد بررسی قرار داد. جدول ۳، خلاصه‌ای از اثر غیرشرطی فساد بر رشد اقتصادی را با استفاده از رویکرد حداقل مربعات سه مرحله‌ای را نشان می‌دهد. توضیح اینکه نتایج به دست آمده سازگاری با یافته‌های قسمت قبل نیز دارد.

<sup>59</sup> Exhaustiveness of the Model

<sup>60</sup> Wacziarg

جدول ۳: اثر غیرشرطی فساد بر رشد اقتصادی برای کل کشورهای منتخب

CPI 3SLS	
شاخص فساد	-۰/۰۰۸ (۰/۰۰)
عرض از مبدأ	۱۱/۸۹ (۰/۰۰)
N	۵۳
R <sup>2</sup>	۰/۳۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### ۵-۳- نتایج برآورد مدل برای کشورهای رانتي

در این قسمت به برآورد مدل برای کشورهای رانتي با استفاده از شاخص فساد CPI می‌پردازیم که جدول ۴ در ذیل نتایج برآورد را نشان می‌دهد. اثر چهار متغیر انتقال بر رشد در جدول (۴) برای شاخص CPI، با استفاده از رویکرد حداقل مربعات سه مرحله‌ای نشان داده شده است. در ستون اول مشاهده می‌گردد که اثر کلیه عوامل واسطه‌ای بر رشد اقتصادی برای کشورها رانتي به لحاظ آماری معنی‌دار است، متغیرهای سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی و ثبات سیاسی به ترتیب اثر مثبت معنی‌دار و متغیر هزینه‌های دولت اثر منفی معنی‌داری دارند. طبق ستون دوم سمت چپ اثر فساد بر متغیر سرمایه انسانی اثر منفی بی‌معنی دارد و برای متغیرهای سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و ثبات سیاسی اثر منفی معنی‌دار دارد. در ستون سوم، اثر فساد بر رشد از طریق عوامل واسطه‌ای مختلف نشان داده شده است که فقط اثر از طریق عامل سرمایه انسانی بی‌معنی است و اثر فساد بر رشد از طریق عوامل سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و ثبات سیاسی منفی و معنی‌دار است که در نهایت اثر کل فساد بر رشد اقتصادی از طریق هر ۴ عامل واسطه‌ای برابر ۰/۰۶- است که به لحاظ آماری معنی‌دار است. با توجه به نتایج برآورد، بیشترین عوامل واسطه‌ای اثرگذاری فساد بر رشد اقتصادی برای کشورهای رانتي از طریق متغیرهای سرمایه‌گذاری، ثبات سیاسی و هزینه‌های دولت هست.

**جدول ۴: بررسی اثرات متغیرهای انتقال و فساد بر رشد اقتصادی کشورهای رانتي**

اثر فساد بر رشد	اثر فساد بر عامل واسطه‌ای	اثر عامل رشد	عامل واسطه‌ای
شاخص CPI			
-۰/۰۱ (۰/۱۶)	-۰/۹۷ (۰/۱۲)	۰/۰۲ (۰/۰۰)	سرمایه انسانی
-۰/۰۲ (۰/۰۰)	-۰/۰۵ (۰/۰۰)	۰/۴۲ (۰/۰۰)	سرمایه‌گذاری
۰/۰۰۶ (۰/۰۱)	-۰/۱۷ (۰/۰۰)	-۰/۰۳ (۰/۰۰۱)	هزینه‌های دولت
-۰/۰۳ (۰/۰۲)	-۰/۱۰ (۰/۰۰)	۰/۳۲ (۰/۰۲)	ثبات سیاسی
-۰/۰۶ (۰/۰۰)			اثر کل

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نکته: اعداد داخل پرانتز مقدار معنی‌داری در سطح ۵٪ را نشان می‌دهد.

**۴-۵- نتایج برآورد مدل برای کشورهای غیررانتي**

در این قسمت به برآورد مدل برای کشورهای غیررانتي با استفاده از شاخص فساد CPI می‌پردازیم که جدول ۵، نتایج برآورد را نشان می‌دهد.

**جدول ۵: بررسی اثرات متغیرهای انتقال و فساد بر رشد اقتصادی کشورهای غیررانتي**

اثر فساد بر رشد	اثر فساد بر متغیر عامل واسطه‌ای	اثر عامل واسطه‌ای بر رشد	عامل واسطه‌ای
شاخص CPI			
-۰/۰۰۱ (۰/۰۸)	-۰/۲۲ (۰/۰۲)	۰/۰۰۴ (۰/۰۰)	سرمایه انسانی
-۰/۰۱ (۰/۰۰)	-۰/۰۱ (۰/۰۰)	۰/۹۵ (۰/۰۰)	سرمایه‌گذاری
۰/۰۰۳ (۰/۰۰۸)	-۰/۰۷ (۰/۰۰)	-۰/۴۰ (۰/۰۰)	هزینه‌های دولت
-۰/۰۰۰۵ (۰/۶۲)	-۰/۰۳ (۰/۰۰)	۰/۰۲ (۰/۶۲)	ثبات سیاسی
-۰/۰۱ (۰/۰۱)			اثر کل

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نکته: اعداد داخل پرانتز مقدار معنی‌داری در سطح ۵٪ را نشان می‌دهد.

در ستون اول جدول ۵، هزینه‌های دولت اثر منفی معنی‌دار و متغیرهای سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری اثر مثبت معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارند و برای متغیر ثبات سیاسی اثر مثبت اما بی‌معنی است. در ستون دوم اثر فساد بر عوامل واسطه‌ای نشان

داده شده است که همگی منفی و معنی‌دار می‌باشند، در ستون سوم سمت چپ اثر فساد بر رشد از طریق عوامل واسطه‌ای مختلف نشان داده شده است که فساد از طریق عوامل واسطه‌ای سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و سرمایه انسانی اثر منفی معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد که در نهایت اثر کل از طریق هر چهار عامل واسطه‌ای برابر  $-0/01$  و به لحاظ آماری معنی‌دار است. با توجه به نتایج برآورد، بیشترین عامل اثرگذاری فساد بر رشد اقتصادی برای کشورهای غیر رانتهی از طریق متغیرهای سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و سرمایه انسانی هست.

نتیجه بررسی اثر غیرشرطی فساد بر متغیر رشد اقتصادی در کشورهای رانتهی و غیررانتهی با استفاده از شاخص فساد CPI، در جدول ۶، آمده است.

جدول ۶: اثر غیرشرطی فساد بر رشد اقتصادی به تفکیک کشورهای رانتهی و غیر رانتهی

	کشورهای رانتهی		کشورهای غیررانتهی	
	CPI		CPI	
شاخص فساد	$(0/005) 0/005$		$-0/008$ $(0/00)$	
عرض از مبدأ	$10/74$ $(0/66)$		$11/90$ $(0/00)$	
N	۹		۴۴	
R <sup>2</sup>	0/10		0/40	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نکته: اعداد داخل پرانتز مقدار معنی‌داری در سطح ۵٪ را نشان می‌دهد.

نتایج خلاصه شده در جدول ۶ نشان می‌دهد که برای شاخص CPI این اثر برابر  $-0/008$  و به لحاظ آماری معنی‌دار است. برای کشورهای رانتهی شاخص فساد اثر مثبت معنی‌دار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب رانتهی در این الگو داشته است. این نتیجه در تقابل با نتایج حاصل از تخمین‌های انجام‌شده از عوامل واسطه‌ای تأثیرگذاری فساد هست که اثر کل فساد بر رشد اقتصادی را از طریق ۴ عامل واسطه‌ای تأثیرگذار برای شاخص فساد منفی نشان داد، این موضوع به مفهوم اصلی روش‌شناسی عوامل واسطه‌ای اشاره می‌کند و نشان‌دهنده آن است که گرچه ممکن است رابطه مستقیم فساد و رشد اقتصادی برای کشورهای رانتهی مثبت به نظر برسد ولیکن اثرات غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی از طریق عوامل واسطه‌ای انتقال منفی می‌باشند و این یافته از طریق استفاده از روش‌شناسی عوامل واسطه‌ای به‌دست آمده است.

## ۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعات متعددی بر روی پیامدهای فساد متمرکز شده است. برخی از محققان بیان نموده‌اند که فساد به چندین دلیل اثرات منفی بر روی عملکرد اقتصادی دارد. برای درک بهتر اثر فساد بر روی رشد اقتصادی، انتخاب عوامل واسطه‌ای اثرگذاری به صورت غیرمستقیم اهمیت دارد. لذا این پژوهش به بررسی چگونگی اثرات فساد بر رشد اقتصادی از طریق عوامل واسطه‌ای مختلف اثرگذاری پرداخت، برخلاف بیشتر مطالعات گذشته که از روش تجزیه مانند مو (۲۰۰۱) استفاده شده است این پژوهش مطابق روش‌شناسی عوامل واسطه‌ای که توسط توارس و وکزیارگ (۲۰۰۱) ارائه شده است، از روش پانل معادلات همزمان و در نظر گرفتن متغیرهای انتقال سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و ثبات سیاسی به بررسی اثر فساد بر رشد اقتصادی پرداخته است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اثر غیرشرطی فساد بر رشد اقتصادی برای کشورهای غیررانتی منفی و برای کشورهای رانتی مثبت است، این نتیجه در اولین نگاه بدان معناست که برای کشورهای رانتی با افزایش فساد، رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، اما با استفاده از روش‌شناسی کانال که در این پژوهش از آن استفاده گردیده است، این نتیجه در تقابل با نتایج حاصل از تخمین‌های انجام‌شده از عوامل واسطه‌ای تأثیرگذاری فساد هست که اثر کل فساد بر رشد اقتصادی را از طریق ۴ عامل واسطه‌ای برای شاخص فساد CPI منفی نشان داد، این موضوع به مفهوم اصلی روش‌شناسی کانال اشاره می‌کند و نشان‌دهنده آن است که گرچه ممکن است رابطه مستقیم فساد و رشد اقتصادی برای کشورهای رانتی مثبت به نظر برسد ولیکن اثرات غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی از طریق عوامل واسطه‌ای انتقال منفی می‌باشند و این یافته از طریق استفاده از روش‌شناسی کانال به دست آمده است.

نتیجه‌گیری دیگری که با توجه به تخمین بر روی کشورهای رانتی به دست می‌آید آن است که بیشترین عوامل واسطه‌ای اثرگذاری فساد بر رشد اقتصادی برای کشورهای رانتی از طریق متغیرهای سرمایه‌گذاری، ثبات سیاسی و هزینه‌های دولت هست.

از سوی دیگر برای کشورهای غیررانتی با توجه به نتایج برآورد عوامل واسطه‌ای انتقال، بیشترین عوامل واسطه‌ای اثرگذاری فساد بر رشد اقتصادی برای کشورهای غیر رانتی از طریق متغیرهای سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و سرمایه انسانی

هست. طبق برآوردهای انجام شده، مشخص گردید که فساد اثری منفی بر رشد اقتصادی از طریق عوامل واسطه‌ای انتقال دارد، لذا نیاز است کنترل فساد به صورت جدی در دستور کار کشورها قرار گیرد.

نتیجه‌گیری دیگری که با توجه به تخمین عوامل واسطه‌ای مختلف بر روی کشورهای رانتی به دست آمد نشان‌دهنده آن است که بیشترین عوامل واسطه‌ای اثرگذاری فساد بر رشد اقتصادی برای کشورهای رانتی از طریق عوامل واسطه‌ای سرمایه‌گذاری و ثبات سیاسی و هزینه‌های دولت هست، لذا به منظور جلوگیری از اثرات نامطلوب فساد، علاوه بر کنترل خود فساد، در صورتی که بتوان تمرکز ویژه‌ای بر مقوله سرمایه‌گذاری، کنترل هزینه‌های دولت و ثبات سیاسی به منظور ممانعت از ورود فساد به این حوزه‌ها نمود، امکان کم کردن اثر فساد بر رشد اقتصادی وجود دارد.

با توجه به آنکه در پژوهش حاضر تفکیک اثرات در اقتصادهای رانتی و غیررانتی انجام گرفت، پیشنهاد می‌شود مطالعاتی با تعداد نمونه بیشتر کشورها به بررسی چگونگی اثر فساد بر رشد کشورها با چارچوب‌های نهادی مختلف یا در مراحل مختلف توسعه اقتصادی صورت گیرد. علاوه بر این، برای درک بهتر متغیرهای اثرگذار مهم مانند سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و ثبات سیاسی بهتر است مطالعات به صورت موردی برای هر کشور صورت گیرد. همچنین ارزیابی اقتصادی خردی بر روی هزینه‌های فساد در این سه بخش بسیار اهمیت پیدا می‌کند.

## فهرست منابع:

- پناهی، حسین و اشرف امینی. (۱۳۹۰). دولت رانتی، اقتصاد دولتی، فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی در ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۷(۱): ۵۹-۹۴.
- رهبر، فرهاد، فضل‌الله میرزاوند و غلامرضا زال پور. (۱۳۸۱). بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی. تهران، مؤسسه نشر جهاد، صفحه ۸.
- صادقی، حسین، عباس عساری و وحید شقاقی شهری. (۱۳۸۹). اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی (رویکرد اقتصادی). پژوهشنامه اقتصادی، ۱۰(۴): ۱۷۴-۱۳۹.
- صباحی، احمد و ملک الساداتی، سعید. (۱۳۸۸). اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی. پژوهشنامه بازرگانی، ۵۳(۱۴)، ۱۵۸-۱۳۱.
- صیادزاده، علی و زهرا علمی. (۱۳۹۰). رابطه فساد و سرمایه اجتماعی در الگوهای رشد. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه، ۵۰(۲): ۷-۳۵.
- کردلو، محمدرضا. (۱۳۸۴). فساد مالی، فصلنامه دانش حسابرسی، ۲۵(۱۶)، ۴۱-۶۲.

Abed, G. & H. Davoodi. (2000). Corruption, Structural Reforms and Economic Performance in the Transition Economies. IMF Working Paper No. 00/132.

Ades, A. & R. Di Tella. (1997). National Champions and Corruption: Some Unpleasant Interventionist Arithmetic. The Economic Journal, 107(443), 1023-1042.

Aidt, T., J. Dutta & V. Sena. (2008). Governance Regimes, Corruption Aand Growth: Theory and Evidence. Journal of Comparative Economics, 36(2): 195-220.

Aisen, A. & F. Veiga. (2013). How does Political Instability Affect Economic Growth? European Journal of Political Economy, 29(7): 151-167.

Alesina, A. & R. Wacziarg. (1998). Openness, Country Size and Government. Journal of public Economics, 69(3): 305-321.

Al-Samarrai, S. (2006). Achieving Education for All: How Much Does Money Matter? Journal of International Development, 18: 179-206.

Auty, R. (2001). Resource Abundance and Economic Development. Oxford University Press, New York, 630.



- Baldacci, E., B. Clements, S. Gupta & Q. Cui. (2008). Social Spending, Human Capital and Growth in Developing Countries. *World Development*, 36(8): 1317–1341.
- Barro, R. (1991). Economic Growth in a cross-section of countries. *Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 43-407.
- Barro, R. & X. Sala-i-Martin. (1995). *Economic Growth*, MIT Press, U.S.
- Caselli, F. (1996). Reopening The Convergence Debate: A New Look at Cross-Country Growth Empirics. *Journal of Economic Growth*, 1(3): 363-89.
- De Vaal, A. & W. Ebben. (2011). Institutions and The Relationship Between Corruption and Economic Growth. *Rev. Dev. Econ.*, 15: 108–123.
- Dreher, A. & T. Herzfeld. (2005). The Economic Costs of Corruption: A Survey and New Evidence. Working Paper 0506001, Public Economics, Econ WPA
- Dzhumashev, R. (2014). Corruption and Growth: The Role of Governance, Public Spending and Economic Development. *Economic Modelling*, 37, 202-215.
- Easterly, W. & R. Levine. (1997). Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions. *Quarterly Journal of Economics*, 112(4): 1203-1250.
- Ebben, E. & A. Vall. (2009), Institution and the Relation between Corruption and Economic Growth, NiCE Working Paper 09-104, January 2009.
- El Anshasy, A. & M. Katsaiti. (2013). Natural Resources And Fiscal Performance: Does Good Governance Matter? *Journal of Macroeconomics*, 37: 285-298.
- Elliott, K.A. (1997). Corruption as an International Policy Problem: Overview and Recommendations. *Institute of International Economics (U.S.)*: 175-181.
- Gupta, S., H.R. Davoodi & E.R. Tiongson. (2001). Corruption and The Provision of Health Care and Education Services. *The Political Economy of Corruption*, ed. by A.K. Jain, London: Rutledge: 111-141.
- Gupta, S., M. Verhoeven & E. R. Tiongson. (2002). The Effectiveness of Government Spending on Education and Health Care in Developing and Transition Economies. *European Journal of Political Economy*. 18: 717-737.
- Gylfason, T. (2001). Natural Resource and Economic Growth: What is The Connection? CES info Working Paper, No 530.

- Haque, M.E. & R. Kneller. (2008). Public Investment and Growth: The Role of Corruption. Centre for Growth and Business Cycle Research Discussion Paper Series 98, Economics, University of Manchester.
- Heckelman, J.C. & B. Powell. (2010). Corruption and the Institutional Environment for Growth. *Comparative Economic Studies*, 52(3): 351-378.
- Hessami, Z. (2014). Political corruption, Public Procurement and Budget Composition: Theory and Evidence from OECD Countries. *European Journal of Political Economy*, 34: 372-389.
- Jain, A. k. (2001). Corruption: A Review. *Journal of Economic Surveys*, 15(1): 71-121.
- Johnson, S., D. Kaufmann, J. McMillan & C. Woodruff. (2000). Why Do Firms Hide? Bribes and Unofficial Activity After Communism. *Journal of Public Economics*, 76: 95-520.
- Kaufmann, D. & S.J. Wei. (2000). does 'Grease Money' Speed up the Wheels of Commerce? IMF Working Papers, NO 00/64.
- Kaufmann, D., A. Kray & P. Zoido-Lobaton. (1999). Governance Matters: World Bank Policy Research. Working Paper, No 2196.
- Lambsdorff, J.G. (1999). Corruption in International Research; A Review. Transparency International Working Paper, Berlin. [www.Transparency.de\[10.11.00\]](http://www.Transparency.de[10.11.00]).
- Levine, R. & D. Renelt. (1992). A Sensitivity Analysis of Cross-Country Growth Regressions. *American Economic Review*, 82(4): 942-63.
- Mankiw, G., D. Romer & D. Weil. (1990). A Contribution to the Empirics of Economic Growth. NBER Working Paper No. 3541.
- Marhubi, F.A. (2000). Corruption and Inflation. *Economics Letters*, 66 (2), 199-202.
- Mauro, P. (1995). Corruption and Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 110(3): 681-712.
- Mauro, P. (1998). Corruption And The Composition of Government Expenditure. *Journal of Public economics*, 69(2): 263-279.
- Mendez, F. & F. Sepulveda. (2006). Corruption, Growth and Political Regimes: Cross Country Evidence. *European Journal of Political Economy*, 22(1): 82-98.
- Meon, P.G. & L. Weill. (2010). Is Corruption Efficient Grease? *World Development*, 38(3): 244-259.

- Mo, P.H. (2001). Corruption and Economic Growth. *Journal of Comparative Economics*, 29: 66-79.
- Montinola, G. & R.W. Jackman. (2002). Sources of Corruption: A Cross Country Study. *British Journal of Political Science*, 32: 147-170.
- Mulloy, P. (1999). Statement on corruption Delivered by Assistant Secretary of Commerce. OSCE Review Conference, Istanbul.
- Pellegrini, L. & R. Gerlagh. (2004). Corruption's Effect on Growth and Its Transmission Channels. *Kyklos*, 57(3): 429-56.
- Pellegrini, L. (2011). The Effect of Corruption on Growth and Its Transmission Channels. In *Corruption, Development and The Environment*, Chapter 4: 53-74.
- Rajeev, K.G. & A. Nelson. (2012). Corruption and Government Size: A Disaggregated Analysis. *Journal of Business and Economics*, 28(1): 107-120.
- Rajkumar, A.S. & V. Swaroop. (2008). Public Spending and Outcomes: Does Governance Matter? *Journal of Development Economics*, 86(1): 96-111.
- Rijckeghem, C.V. & B. Weder. (1997). Corruption and the Rate of Temptation: Do Low Wages in The Civil Service Cause Corruption? IMF Working Paper, No WP/97/73.
- Rothstein, B. & E.M. Uslaner. (2005). *All for All: Equality, Corruption, and Social Trust*. World Politics, Cambridge Univ Press.
- Serra, D. (2006). Empirical Determinants of Corruption: A Sensitivity Analysis. *Journal of Public Choice*, 126(1/2), 225-256.
- Shleifer, A. & R.W. Vishny. (1993). Corruption. *The Quarterly Journal of Economics*, 108(3): 599-617.
- Stavros, K. (2006). The Shadow Economy and Corruption in Greece and South-Eastern Europe. *Journal of Economics*, 1: 61-80.
- Swaleheen, M. (2012). Curbing Corruption for Higher Growth: The Importance of Persistence. *Journal of Economics letters*, 116: 255-257.
- Tanzi, V. & H. Davoodi. (1997). Corruption Public Investment and Growth. IMF Working Paper, No 97/139, Washington D.C.
- Tanzi, V. (1998). Corruption around the world: causes, consequences, scopes and cures. IMF Staff Papers, 45(4), Pp. 559-594.
- Tavares, J. & R. Wacziarg. (2001). How Democracy Affects Growth. *European Economic Review*, 45(8): 1341-78.

Tsani, S. (2013). Natural Resources, Governance and Institutional Quality: The Role of Resource Funds. *Journal of Resources Policy*, 38: 191-195.

UNESCO. (2002). Ethics and Corruption in Education. Results from the Expert Workshop (Paris, France, November 28-29, 2001). *Policy Forum on Education*.

Wacziarg, R. (2001). Measuring the Dynamic Gains From Trade. *World Bank Economic Review*, 15(3): 393-429.

World Bank. (1997). *Helping Countries Combat Corruption: The Role of the World Bank*. P. 8. The World Bank, Washington D.C.

## پیوست:

جدول ۱: لیست کشورهای منتخب

الجزایر	برزیل	قبرس	فرانسه	اندونزی	کره جنوبی	هلند	پاراگوئه	روسیه
آرژانتین	کانادا	چک	آلمان	ایران	آفریقای جنوبی	نیوزلند	فیلیپین	عربستان
استرالیا	شیلی	دانمارک	یونان	عراق	مالزی	نیجریه	لهستان	لیبریا
اتریش	چین	مصر	مجارستان	ایتالیا	مکزیک	نروژ	قطر	اسپانیا
بلژیک	کلمبیا	فنلاند	هند	ژاپن	عمان	پاکستان	رومانی	سوئد
سوئیس	سوریه	ترکیه	انگلستان	امریکا	ونزوئلا	اکوادور		

